

# بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران (۱۳۲۸-۱۳۶۸)

۳- نظام برنامه‌ریزی توسعه

قسمت اول: تجربه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

نوشته: عبدالحسین نفیسی

معرفی مقاله

این مقاله که در تکمیل سلسله مقالات مربوط به بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه در ایران نوشته شده است، به بررسی تحولات نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی یعنی سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷ اختصاص یافته است. پس از ارائه تعریفی از نظام برنامه‌ریزی، عناصر متشکله آن که عبارت از طراحی، تلفیق، تصویب، اجرا و نظارت بر اجرای برنامه می‌باشد مشخص گردیده است. سپس این دوره به دو مرحله تمرکز مسؤولیتها و مرحله تفکیک مسؤولیتها تقسیم شده و نقش نهادهای مسؤول آموزش و پرورش در اجرای عملیات مربوط به نظام برنامه‌ریزی توسعه در هر مرحله، به اتکاء اسناد و مدارک موجود و تجارب مشخص نویسنده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مشخصات بارز هر مرحله شرح داده شده است.

نویسنده این مقاله آقای عبدالحسین نفیسی از کارشناسان ارشد سازمان برنامه و بودجه و عضو هیأت تحریریه می‌باشند. توفیق ایشان را در ادامه همکاری با فصلنامه تعلیم و تربیت از درگاه خداوند متعال مسئلت داریم.

فصلنامه

در دو مقاله نخستین، تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش ایران در ۴ دهه گذشته، به لحاظ تعاریف، دامنه شمول، سابقه و بالاخره سطوح برنامه‌ریزی توسعه و تحولات آن در گذشته، مورد بررسی قرار گرفت. در نخستین مقاله، نتیجه گرفته شد که برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش، بر مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که: در قالب نظام موجود و با توجه به روابط و مختصاتی که در برنامه‌های درسی منعکس است، برای هدایت فرایند رشد و گسترش اجزای متشکله نظام، به صورتی مفید و کارا و منطبق با هدفها و سیاست‌های برنامه توسعه و نیاز بخشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تهیه شده است." (مأخذ ۱).

این نوع برنامه‌ریزی به‌طور رسمی از سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ شمسی، همزمان با تدوین و تصویب قانون برنامه هفت‌ساله عمران و آبادی ایران آغاز شده و به آخرین تجربه آن که در ارتباط با تهیه برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سالهای ۱۳۶۷ - ۱۳۶۸ انجام گرفته، ختم می‌شود.

خصوصیات ۸ برنامه توسعه آموزش و پرورش که در ۴۰ سال گذشته تهیه شده است (هر چند ۳ برنامه به اجرا گذاشته نشد) در نخستین مقاله در دو جدول ارائه شد. در مقاله دوم، سطوح برنامه‌ریزی توسعه و تحولات آن مورد بحث قرار گرفت و اشاره شد که در قلمرو سیاسی و جغرافیایی سطوح پنجگانه ملی، ملی با ابعاد استانی، استانی، منطقه‌ای، و آموزشی (مؤسسه‌ای) برای برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش قابل تشخیص است؛ اما در ایران، سطح برنامه‌ریزی از سطح کلان یا کشوری تجاوز نکرده است و فعالیت‌هایی که در سطوح دیگر انجام شده، مقطعی و موردی بوده است. در قلمرو زمانی، سطوح سه‌گانه برنامه‌های درازمدت، میان‌مدت ۵ ساله و برنامه سالانه، بررسی شد. تحولات فعالیت‌های آموزشی مندرج در برنامه‌های توسعه نیز، مورد بحث قرار گرفت و گفته شد که قلمرو بخش، ضمن آنکه نسبت به برنامه‌های نخستین به تدریج خالصتر شده است، هر چه بیشتر به موضوعات آموزشی محدود شده و از نظر تقسیم‌بندی داخلی نیز به تفصیل گرائیده و چهره برنامه را عملیاتی‌تر تصویر کرده است. و بالاخره تحولات قلمرو اجرایی برنامه‌های توسعه، از دو جهت: جامعیت عملیات و هزینه‌ها و از لحاظ نقش دولت و بخش خصوصی تشریح و تبیین گردید (مأخذ ۲).

اکنون، تحولات ۴ دهه گذشته نظام برنامه‌ریزی توسعه، طی دو مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله حاضر ضمن ارائه تعریف نظام برنامه‌ریزی و عملیات عمده آن، به

بررسی تحولات این نظام، در دوران قبل از انقلاب اسلامی اختصاص دارد. امید است که با توکل به خداوند متعال، توفیق بررسی تحولات نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران و نیز بررسی سایر وجوه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش خاصه شیوه‌ها و الگوهای برنامه‌ریزی، در مقاله‌های دیگری به دست آید؛ انشاءالله.

## ۲- تعریف نظام برنامه‌ریزی

نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش، همانند هر نظام برنامه‌ریزی دیگر، عبارت است از ساختار، تشکیلات و دستورالعملهایی که در قالب سیاستها و خط‌مشی‌های تعیین شده، با استفاده از منابع تخصیص یافته، امر طراحی، تلفیق، تصویب، اجرا و نظارت بر اجرای برنامه توسعه آموزش و پرورش را برای رسیدن به هدفهای کمی و کیفی، سامان می‌بخشد. بدین ترتیب، این نظام، از یک سو، زیر مجموعه‌ای از نظام آموزش و پرورش کشور به شمار می‌آید و از سوی دیگر، با نظام برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارای فصل مشترکی است.

بنا بر تعریف فوق، ورودیهای (نهاده‌ها) نظام برنامه‌ریزی عبارتند از: منابع مالی و انسانی، خواسته‌ها و نیازها، هدفهای تعیین شده، خط‌مشی‌ها، معیارها، ضوابط و برنامه‌های درسی مصوب؛ و محصولات (برداشته‌ها) این نظام عبارتند از: برنامه‌های توسعه تدوین شده و گسترشهای کمی و کیفی حاصله در نظام آموزش و پرورش؛ و فرایند این نظام عبارت از عملیاتی است که برای تدوین، تلفیق، تصویب، اجرا و نظارت بر اجرای برنامه صورت می‌گیرد. در این فرایند مسؤولیتها و وظایف هر یک از نهادهای اجرایی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور، در ارتباط با توسعه آموزش و پرورش مشخص می‌گردد. در هر صورت این نظام به هر گونه که سامان داده شود، به کمک آن باید ۵ دسته عملیات، که شرح مختصر آنها بعداً خواهد آمد، صورت پذیرد. آشکار است که این طبقه‌بندی، هر چند از طبیعت فعالیتها تبعیت می‌کند و بدین سبب، اساس و شالوده منطقی و قابل قبولی دارد، اما به طور کلی تابع شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور بوده و جنبه اعتباری و قراردادی دارد. عملیات پنجگانه‌ای که در نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران طبقه‌بندی شده‌اند، حاصل بررسی مجموعه عملیاتی است که برای تهیه ۸ برنامه عمرانی انجام گرفته و نویسنده در طراحی یا اجرای بیش از ۶ برنامه آن به شکلی سهیم بوده است.

عملیات مزبور عبارتند از:

## ۱-۲- طراحی برنامه:

شامل مطالعات، بررسیها و طراحی فنی برنامه توسعه در بخش آموزش و پرورش و هر یک از زیربخشها و فعالیتهای مندرج در آنهاست. به طور کلی در این زمینه، عملیات زیر انجام می‌گیرد:

- ارزیابی برنامه توسعه گذشته و یا در حال اجرای فعلی به منظور شناخت تنگناها و مشکلات درونی و بیرونی آموزش و پرورش، تعیین میزان کارایی و ثمربخشی هدفهای کمی و کیفی مصوب، چگونگی اجرای سیاستها و خطمشی‌های توصیه شده و بالاخره شناخت حدود نیازها و خواستها و نیز منابع انسانی و مالی که می‌تواند در اختیار بخش قرارگیرد؛

- تدوین هدفهای کمی و کیفی و پیشنهاد سیاستهای متناسب برای تحقق آنها؛  
- هدایت امر تهیه و پیشنهاد برنامه‌های تفصیلی یا طرحهای عمده برای تحقق هدفها و سیاستهای بخش و تلفیق آنها؛

- تعدیل و اصلاح هدفها، سیاستها و برنامه‌های تفصیلی، در چهارچوب نظرات مراجع سیاستگزاری و تصمیم‌گیری (به هنگام تصویب نهایی و یا در حین اجرای برنامه).

## ۲-۲- تلفیق برنامه:

شامل بررسیهایی است که منجر به طراحی برنامه کلان توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و هماهنگیهای بین‌بخشی می‌گردد. به‌طور کلی در این زمینه عملیات زیر انجام می‌پذیرد:  
- تحلیل وضع موجود و ارزیابی مسایل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛  
- تدوین هدفهای کلی اقتصادی، و اجتماعی و پیشنهاد راهبردها و سیاستهای متناسب برای تحقق آنها؛

- تلفیق برنامه‌های بخشهای مختلف و تعیین ترازهای مهم و محاسبه نهایی منابع مورد نیاز و چگونگی توزیع آن بین بخشها؛

- اصلاح و تعدیل هدفها و سیاستها و برنامه‌های تفصیلی بخشهای مختلف در چهارچوب نظرات مراجع سیاستگزاری و هدایت عملیات انطباق برنامه‌های بخشها با مصوبات مراجع مذکور.

## ۳-۲- تصویب برنامه:

شامل تعیین نهایی هدفها، راهبردها، سیاستها، حجم منابع و راههای تأمین آنها، و

تصویب مقررات و ضوابط حاکم بر اجرای برنامه می‌باشد.

#### ۲-۲-۴- اجرای برنامه:

کلیه عملیات مرتبط با اجرای برنامه‌های بخشی را در بر می‌گیرد. در این زمینه بنا به ماهیت عملیات اجرایی، اقدامات متفاوتی باید صورت گیرد که در بخش آموزش و پرورش آنها را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم کرد:

- آماده‌سازی فضا و تجهیزات آموزشی: که شامل انتخاب محل، تأمین زمین، تهیه نقشه‌های فنی، اجرای عملیات ساختمانی و تأسیساتی و تهیه و نصب تجهیزات می‌باشد. عموماً از این گونه عملیات به "سرمایه‌گذاری ثابت" تعبیر می‌شود.

- اجرای برنامه‌های آموزشی: که مشتمل است بر تهیه نرم‌افزارهای آموزشی، تربیت و تأمین نیروی انسانی و عملیات سازماندهی و ارائه آموزش. این دسته از فعالیتها معمولاً در قالب اعتبارات جاری صورت می‌پذیرد.

#### ۲-۲-۵- نظارت بر اجرای برنامه:

کلیه عملیات مرتبط با هدایت و نظارت بر اجرای برنامه‌های بخشی، رفع موانع اجرایی آنها و تصحیح برنامه‌های کلان و برنامه‌های بخشی را شامل می‌شود. عمده عملیات آن عبارت است از: تخصیص منابع، متناسب با وصول درآمدها و پیشرفت عملیات برنامه‌های تفصیلی، تغییر خط‌مشی و معیارهای فنی و اجرایی، حسابرسی و نگاهداری حساب درآمد و هزینه، برقراری هماهنگی در حین اجرا و اعمال تعدیلهای لازم به تناسب تغییرات پیش‌بینی نشده در شرایط اجرایی. این فعالیت، متناظر با سطوح برنامه توسعه، در سطوح کلان (کشوری)، بخشی و منطقه‌ای انجام می‌پذیرد.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در نظام برنامه‌ریزی، سازماندهی لازم برای انجام ۵ دسته عملیات باید صورت پذیرد. اما از طرف دیگر برنامه‌ریزی آموزش و پرورش از بعد سیاسی - جغرافیایی (منطقه‌ای) نیز به ناچار از سلسله مراتبی تبعیت می‌کند که با تشکیلات اجرایی و سیاسی کشور تناسب دارد و مفصلاً در مقاله گذشته مورد بحث قرار گرفت. حال اگر چگونگی سازماندهی اجرای عملیات پنجگانه فوق‌الذکر را در سطوح پنجگانه برنامه‌ریزی در قلمرو سیاسی - جغرافیایی (منطقه‌ای)، مورد بررسی قرار دهیم، جدولی حاصل می‌شود که در آن ارتباط بین این دو بعد نظام برنامه‌ریزی با وضوح بیشتری مشاهده می‌شود. ولی چون از بعد منطقه‌ای در برنامه‌ریزی توسعه آموزش کار مهمی در ایران

ضرورت نگرفته است، تهیه این جدول فقط برای تجربه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجام خواهد گرفت.

### ۳- مراحل سه گانه تحولات نظام برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش

دوران حیات ۴۰ ساله برنامه ریزی توسعه را در ایران می توان به سه مرحله مشخص

زیر تقسیم کرد:

مرحله اول، مرحله تمرکز مسؤولیتها: این مرحله از شروع تهیه برنامه اول هفت ساله عمرانی در سال ۱۳۲۷ آغاز شده و تا پایان برنامه پنجساله چهارم عمرانی (۱۳۵۱) ادامه می یابد.

مشخصه اصلی این مرحله، تمرکز نسبی کلیه امور برنامه اعم از طراحی، تلفیق، تصویب (به استثنای شکل کلی برنامه کلان) و اجرای برنامه در یک نهاد است که کم یا بیش مستقل از دولت عمل می کند.

مرحله دوم، مرحله تفکیک مسؤولیتها: این مرحله شامل برنامه پنجساله پنجم و تهیه برنامه پنجساله ششم عمرانی کشور می گردد. در این مرحله تشکیلات اجرایی دولت به تدریج در تهیه، بررسی، تلفیق و اجرای برنامه، نقش مهمتری بر عهده می گیرد و قوه مقننه در تصویب برنامه کلان فعالتر برخورد می کند. این مرحله سالهای ۱۳۵۲ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می شود.

مرحله سوم، مرحله زمینه سازی برای مشارکت: این مرحله تجارب دوران استقرار جمهوری اسلامی ایران را از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰ در بر می گیرد. در این دوره به تدریج در نظام برنامه ریزی، نقش مراجع سیاستگزاری و اعمال نظرات مردم توسط نمایندگان آنان در مجلس شورای اسلامی، از نقش نهادهای اجرایی و طراح برنامه، به صورت بارزتری مشخص می شود. اکنون در این مقاله به شرح تفصیلی مراحل اول و دوم می پردازیم.

### تحلیل وضع نظام برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش در مرحله اول

برای آنکه نظام برنامه ریزی توسعه آموزش و پرورش طی این دوره به خوبی مجسم گردد، در نمودار شماره ۱، وضعیت در برنامه های اول و دوم و در نمودار شماره ۲، وضعیت در برنامه های سوم و چهارم عمرانی نشان داده شده است. گردش عملیات در نظام برنامه ریزی در شرح پیوست هر نمودار آمده است و در اینجا از تکرار آن خودداری می شود.

شروع این دوره از سال ۱۳۲۵ همزمان با تهیه مقدمات تدوین برنامه هفت ساله اول عمرانی و پایان آن مقارن با اتمام برنامه عمرانی پنجساله چهارم یعنی سال ۱۳۵۱ می باشد. خصوصیات بارز نظام برنامه ریزی در این دوره، با توجه به عملیات پنجگانه طراحی، تلفیق، تصویب، اجرا و نظارت، به شرح زیر می باشد:

۱- طراحی برنامه: در ابتدای دوره، طراحی برنامه های بخش آموزش و پرورش در همه سطوح به همراه کلیه بخشهای فرهنگی و خدمات بهداشتی و درمانی، به یک کمیسیون یا گروه واگذار شده بود. (کمیسیون بهداری، فرهنگ و دانشگاه در نمودار شماره ۱). سپس تهیه مطالعات فنی و پیشنهاد طرحهای تفصیلی بخش آموزش و پرورش، به همراه سایر بخشها به شرکت خارجی مشاوران ماوراء بحار (مأخذ شماره ۳) واگذار شد. از سال ۱۳۲۸ با تأسیس سازمان برنامه، هر چند آموزش و پرورش در برنامه اول عمرانی جایگاه بسیار ناچیزی داشت، ولی برای امور فرهنگی کارشناسی در تشکیلات برنامه ریزی به خدمت گرفته شد (مأخذ شماره ۴). متعاقب آن، امر طراحی برنامه با تقویت توان کارشناسی سازمان برنامه، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و آغاز فعالیتهای برنامه هفت ساله دوم، بر عهده دفتر (یا امور) اقتصادی سازمان برنامه محول گردید.

طراحی برنامه پنجساله سوم عمرانی بخشهای فرهنگ، (شامل آموزش و پرورش عمومی، آموزش عالی - به جز فنی و مهندسی و کشاورزی - تربیت بدنی، هنر و امور فرهنگی) و نیروی انسانی (شامل آموزش فنی و حرفه ای، آموزشهای مهندسی و کشاورزی در سطح عالی، مسائل اشتغال و بررسیهای نیروی کار)، توسط گروههای کارشناسی که با همکاری کارشناسان خارجی در امور اقتصادی سازمان برنامه تشکیل گردید، انجام شد. (مأخذ ۵ ص اول و ۶ ص سوم).

در این مطالعات نظرات مقامات وزارت فرهنگ و دانشگاههای تهران و شهرستانها و سازمانهای یونسکو، بنیاد فورد، بنگاه خاور نزدیک و قسمت فرهنگی هیأت عملیات اقتصادی امریکا در ایران، و برخی افراد بصیر و صاحب نظر در امور فرهنگی، از طریق مذاکره اخذ شد و بعضی از آنها، مورد استفاده قرار گرفت.

مقارن همین زمان، فعالیتهایی برای ایجاد توان کارشناسی برنامه ریزی در وزارت فرهنگ صورت می گرفت. این اقدامات به تدریج مؤثر واقع شد و آثار آن، با انتشار مجدد آمار فرهنگ ایران پس از توقف قریب به ۱۴ سال (از ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۱) مشاهده می شود. در واقع این کار حاصل تجدید حیات و سازماندهی جدید اداره کل مطالعات و برنامه ها (اداره آمار) وزارت فرهنگ وقت، از نیمه دوم سال ۱۳۳۷، با کمک یونسکو می باشد.

در اواخر برنامه سوم (سال ۱۳۴۳)، بر اساس قانون تفکیک وزارت فرهنگ، امور هنری و اوقاف از امر آموزش و پرورش تفکیک شد و وزارت آموزش و پرورش تأسیس گردید که در تشکیلات آن وظیفه طرحها و بررسیها به شاخه مستقلی سپرده شد که در آن تهیه و هماهنگی طرحهای آموزشی و تحقیق و برنامه‌ریزی، مورد توجه قرار گرفته بود. همزمان با این تحولات امر برنامه‌ریزی آموزشی به شکل اصلاح نظام آموزش از سال ۱۳۴۴ آغاز می‌شود که خود موجب بازنگری مجدد مسائل آموزشی کشور و از جمله در حاشیه آن، مسائل توسعه آموزش و پرورش می‌گردد. برای اجرای نظام جدید آموزش و پرورش، ناگزیر توان کارشناسی برنامه‌ریزی در درون آموزش و پرورش تقویت می‌گردد. به طوری که در پایان این دوره، یعنی در سال ۱۳۵۱، در تشکیلات آموزش و پرورش علاوه بر معاونت طرحها و بررسیها، یک معاونت برنامه‌ریزیهای آموزشی نیز متشکل از دفاتر برنامه‌ریزی برای سطوح و انواع مختلف آموزش ایجاد می‌گردد (مأخذ ۸ - نمودار تشکیلات وزارت آموزش و پرورش).

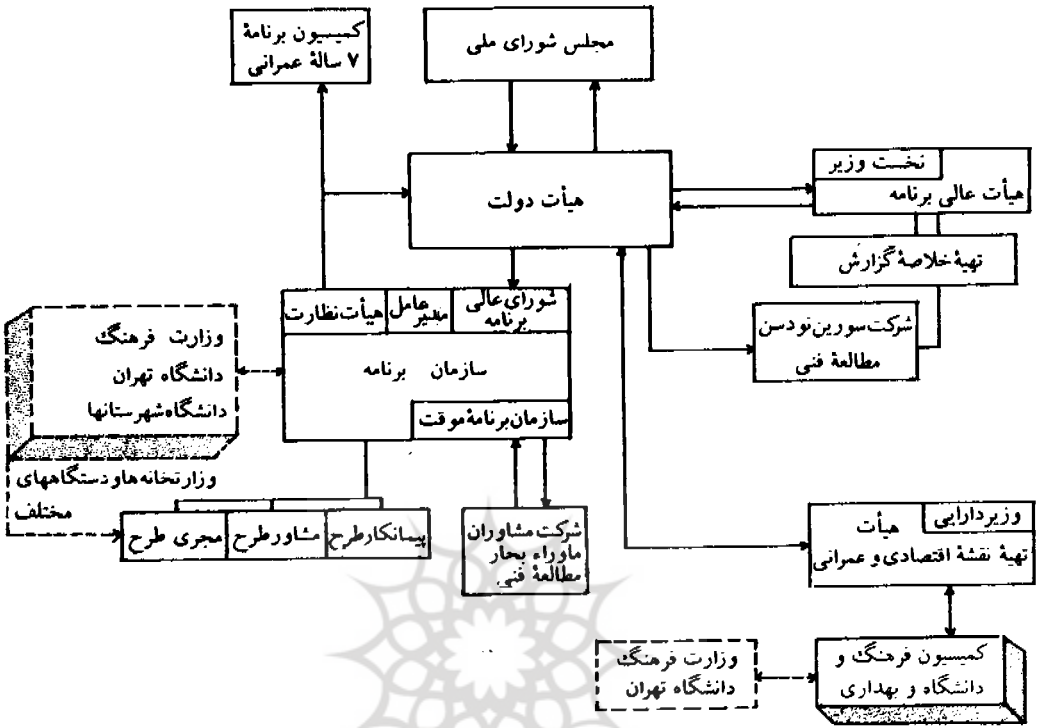
ما در همین سالهای پایانی برنامه سوم و شروع برنامه چهارم، بار دیگر وزارت آموزش و پرورش تجزیه می‌شود و وزارت علوم و آموزش عالی در سال ۱۳۴۶ تأسیس می‌شود. این تفکیک در زمینه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش، نقطه عطفی به‌شمار می‌آید. تجربه‌ای که در تاریخ تشکیلات اداری کشور بی‌سابقه است. به این ترتیب که وظیفه بررسی و ارائه هدفهای اساسی و خط‌مشی‌های کلی و برنامه‌ریزی در همه سطوح آموزشی طبق قانون به وزارت علوم و آموزش عالی واگذار می‌گردد (مأخذ ۹ - ماده ۱ - بندالف) و به این نهاد مأموریت داده می‌شود که از طریق "شورای آموزش کشور" تهیه برنامه‌ریزی گسترش آموزش و پرورش از سطح کودکان تا مراحل تخصصی عالی و نظارت بر برنامه‌های آموزشی را عهده‌دار گردد (مأخذ ۱۰ - ماده ۳). وزارت علوم و آموزش عالی نیز برای این منظور و پاره‌ای از وظائف مشابه به تأسیس "مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی" با امتیازات خاص استخدامی و اجرایی و منزلت دانشگاهی اقدام می‌کند (مأخذ ۱۱).

بدین ترتیب، در چندسال پایانی این دوره، از یک طرف اقداماتی برای تقویت توان برنامه‌ریزی توسعه صورت می‌پذیرد، از طرف دیگر با ایجاد متولیان متعدد برای امر آموزش و پرورش (تشکیل دو وزارتخانه آموزش و پرورش و علوم و آموزش عالی) موجبات تداخل وظائف و تشتت در امور برنامه‌ریزی فراهم می‌شود. خاصه آن که در این



## نمودار شماره ۱

نظام برنامه ریزی توسعه در برنامه های هفت ساله اول و دوم عمرانی کشور



### شرح نمودار شماره ۱:

- ۱ - با تصویب هیأت دولت، هیأت تهیه نقشه اقتصادی و عمرانی به ریاست وزیر دارایی، نقشه اقتصادی و عمرانی را با کمک ۵ کمیسیون از جمله کمیسیون فرهنگ و دانشگاه و بهداری، تهیه می‌کند (سال ۱۳۲۵).
- ۲ - گزارش نقشه اقتصادی و عمرانی برای مطالعه فنی به شرکت مورین نودسن واگذار می‌شود. (سال ۱۳۲۵)
- ۳ - گزارش مورین نودسن از طرف هیأت دولت برای رسیدگی به هیأت عالی برنامه به ریاست نخست‌وزیر واگذار می‌شود. و این هیأت تهیه خلاصه گزارش را به مشرف نفیسی واگذار می‌کند. گزارش به وی صورت لایحه به تصویب هیأت دولت و سپس مجلس شورای ملی می‌رسد (۱۳۲۷).
- ۴ - قانون برنامه هفت‌ساله عمرانی، برای اجرا به دولت ابلاغ می‌شود. سازمان برنامه موقت و سپس سازمان برنامه تحت هدایت شورای عالی برنامه و هیأت نظارت، تشکیل می‌شود (۱۳۲۷).
- ۵ - سازمان برنامه تهیه طرحهای فنی و مطالعات تفصیلی برنامه هفت‌ساله را به شرکت مشاوران ماوراء بحار واگذار می‌کند (۱۳۲۸).
- ۶ - سازمان برنامه با همکاری غیرمستقیم وزارتخانه‌ها و انتخاب عوامل اجرایی (مجری، مشاور و پیمانکار) به اجرای برنامه اقدام می‌کند (سالهای ۱۳۲۸ - ۱۳۳۴)
- ۷ - گزارش نظارت بر اجرای برنامه پیشرفت کار به هیأت دولت و کمیسیون برنامه مجلس، داده می‌شود (سالهای ۲۸ و ۱۳۲۹).

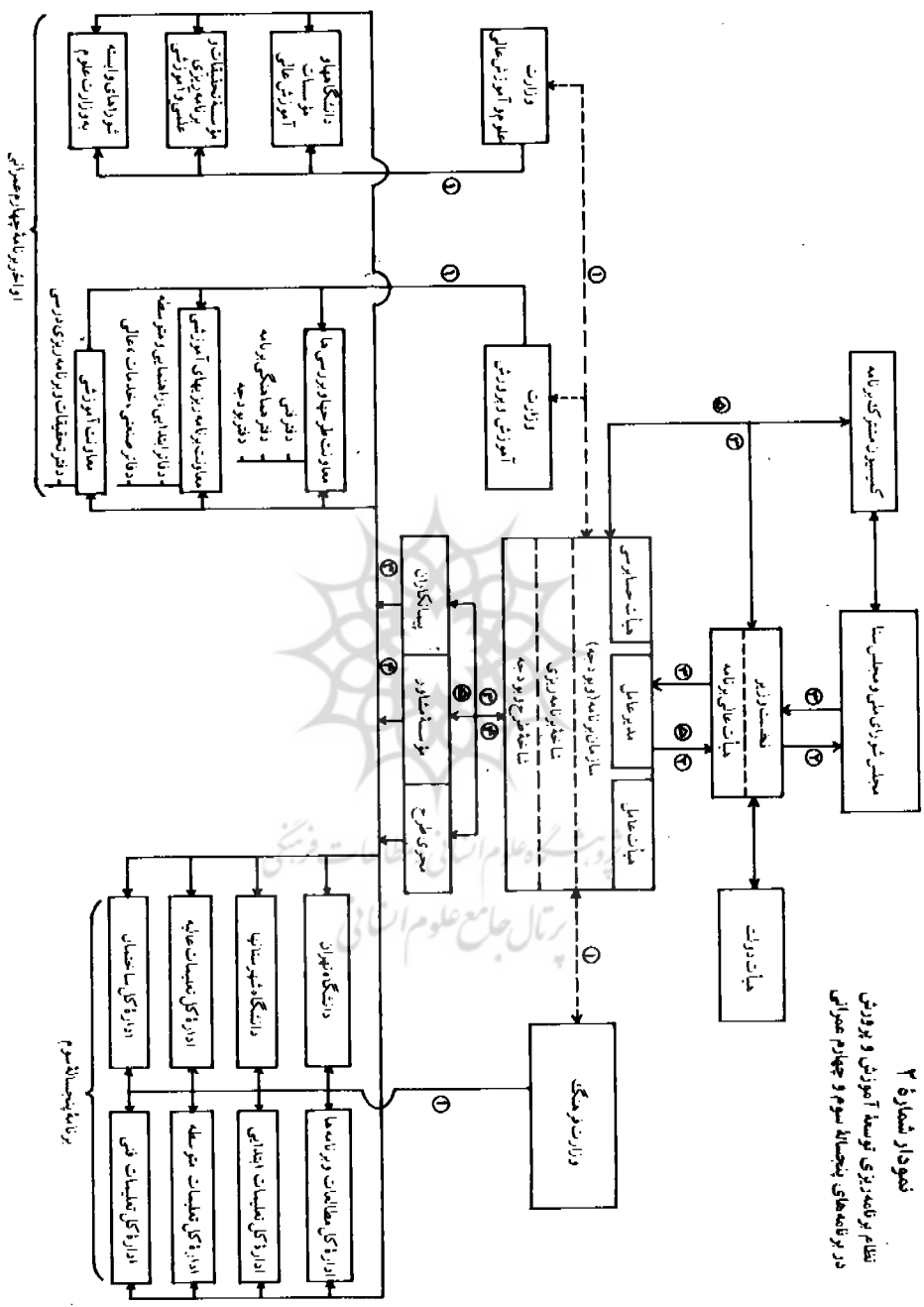


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## شرح نمودار شماره ۲:

- ۱ - سازمان برنامه (شاخه برنامه ریزی) با مشورت وزارت فرهنگ (برنامه سوم) و با وزارتخانه های آموزش و پرورش و علوم و آموزش عالی و نیز دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی (برنامه چهارم) و ادارات و مؤسسات تابع آنها، مسئولیت تهیه و پیشنهاد برنامه را بر عهده دارد.
- ۲ - برنامه تهیه شده به هیأت عالی برنامه و از طریق نخست وزیر برای تصویب به مجلسین ارائه می شود.
- ۳ - برنامه مصوب، برای اجرا به نخست وزیر و سازمان برنامه ابلاغ می شود. اجزایی از برنامه نیز در حین اجرا توسط کمیسیون مشترک برنامه، تصویب و ابلاغ می شود.
- ۴ - سازمان برنامه تحت هدایت هیأت عالی برنامه و با نظر هیأت عامل و هیأت حسابرسی، توسط عوامل فنی (مؤسسات مشاور و پیمانکار)، اجرای طرحها و برنامه های مصوب را بر عهده مجری طرح که در ارتباط با دانشگاهها و ادارات تابعه وزارتخانه های مربوط می باشد، واگذار می کند.
- ۵ - نظارت بر برنامه، توسط - ازمان برنامه و با همکاری عوامل فنی و مجری طرح انجام می شود و گزارشهای آن به هیأت عالی برنامه و کمیسیون مشترک برنامه، ارسال می شود.

نمودار شماره ۲  
 نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش  
 در برنامه‌های پنج‌ساله سوم و چهارم عمرانی



تقسیم وظائف، بی توجه به حساسیت و اهمیت آموزشهای اساسی و عمومی، مشاهده می شود که وزارت آموزش و پرورش به صورت یک نهاد درجه دوم تلقی شده و تمثیت و تدبیر امور آن به وزارتخانه دیگری واگذار شده است. اثرات نامطلوب چنین جریانات متضادی را در مرحله دوم تحولات برنامه ریزی توسعه می توان مشاهده کرد.

در زمینه برنامه ریزی توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای، مهمترین تحولی که در این دوره اتفاق افتاد، تشکیل شورای تجهیز نیروی انسانی، بر اساس تصویبنامه هیأت وزیران، در پایان برنامه سوم، به منظور تعیین سیاست پرورش نیروی انسانی در کشور و ایجاد هماهنگی بین مؤسسات آموزشی حرفه‌ای و فنی و اتخاذ تصمیم در مورد تأسیس رشته‌های جدید فنی و حرفه‌ای می باشد (مأخذ ۱۲). دبیرخانه این شورا، به علت پراکندگی وظیفه ارائه آموزشهای فنی و حرفه‌ای در دستگاههای مختلف اجرایی، در سازمان برنامه تشکیل نگردید. اما این شورا، به جز در مورد آموزشهای کشاورزی، تصمیم مهم دیگری اتخاذ نکرد و در ارزیابی برنامه چهارم عمرانی تهیه شده توسط دولت آمده است که "در دوره سه ساله اول برنامه کلیه کوششهایی که در احیاء فعالیتهای این شورا یا شوراهای نظیر آن انجام شد، به نتیجه مؤثری نرسیده است. بنابراین کلیه سیاستهایی که طبق برنامه، تعیین آن به عهده این شورا بوده، به مرحله اجرا در نیامده است." (مأخذ ۱۳ - ص ۶۰).

به لحاظ بعد منطقه‌ای برنامه ریزی آموزش و پرورش، در این مرحله تحرک چندانی در کشور ملاحظه نمی گردد. شوراهای منطقه‌ای فرهنگ که در قانون مصوب ۱۱ شهریورماه ۱۳۰۶ باید در مراکز استانها و شهرستانها تشکیل می شد و در برنامه اول قویاً بر تأسیس آنها تأکید شده بود، تشکیل نشد (مأخذ ۳) مگر در پایان برنامه دوم عمرانی و آن نیز به صورت پراکنده و نامرتب. در پایان این مرحله (از سال ۱۳۴۸ به بعد)، قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای به تصویب رسید که از جمله وظایف آن، تصویب برنامه‌های سالیانه توسعه و ازدیاد مدارس مختلف بود (مأخذ ۱۴ ماده ۳).

با وجود این اقدامات و تشکیلات جدید، تهیه برنامه پنجساله عمرانی چهارم نیز، عمدتاً، و خاصه در زمینه آموزشهای فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی، توسط سازمان برنامه صورت پذیرفت. با این تفاوت که بر خلاف برنامه‌های گذشته، در این برنامه پیشنهادهای منسجم‌تر و آمار و اطلاعات دقیقتری از طرف دستگاههای مسؤول آموزش و پرورش، برای تدوین متن نهایی برنامه، در اختیار این سازمان قرار می گرفت.

از نظر توان کارشناسی، سازمان برنامه در بررسیها و مطالعات برنامه‌های آموزشی (اعم از عمومی، فنی حرفه‌ای یا عالی) همواره از کارشناسان خارجی بهره گرفته است که

گاه نقش آنان مستقیم و محسوس (برنامه‌های اول تا سوم) و گاه به صورت مشاوره و راهنمایی بوده است (برنامه چهارم). این کارشناسان ابتدا از طریق کمکهای فنی دولت آمریکا و سپس از طریق سازمانهای بین‌المللی مانند یونسکو و سازمان جهانی کار در اختیار این سازمان قرار می‌گرفتند.

در یک جمع‌بندی می‌توان نتیجه گرفت که طی این دوره ۲۵ ساله، به استثنای چند سال آخر دوره، دستگاههای مسؤول آموزش و پرورش، عمدتاً نقش ناظر و مشاور را در طراحی و تهیه و تدوین برنامه‌های توسعه بخش آموزش و پرورش بر عهده داشته‌اند و مسؤولیت اصلی این مهم را عمدتاً سازمان برنامه عهده‌دار بوده است.

۲ - تلفیق برنامه: در طول دوره، مسؤولیت تلفیق برنامه به طور کامل، بر عهده سازمان برنامه و شوراهای هدایت‌کننده آن بوده است. در هیچ‌یک از این شوراهای هدایت‌کننده، وزیر یا مسئولان آموزش و پرورش کشور مشارکت نداشته‌اند. اصولاً تشکیلات برنامه‌ریزی در این دوره کم یا بیش مستقل از هیأت دولت عمل می‌کرد و ظاهراً وزرای آموزش و پرورش حتی از طریق هیأت دولت نیز کمتر قادر به اعمال نظارت بر امر تلفیق برنامه بوده‌اند.

۳ - تصویب برنامه: در این دوره تصویب برنامه کلان، توسط مجلسین شورا و سنا صورت گرفت؛ ولی در هر ۴ برنامه عمرانی، تصویب برنامه‌های تفصیلی، بر عهده کمیسیون مشترک مجلسین محول شد. مطالعه متن قانونهای برنامه‌های اول تا چهارم نشان می‌دهد که این مراجع پیشتر در زمینه شکل حقوقی و نظم و ترتیب مربوط به تشکیلات سازمان برنامه و چگونگی کسب منابع مالی و مقررات اجرای برنامه، تأکید داشته‌اند تا تعیین هدفها، راهبردها، سیاستها و دقایق مربوط به توزیع منابع بین بخشها، و این قبیل امور را بر عهده شوراهای هدایت‌کننده سازمان برنامه محول می‌کرده‌اند. چون در این مراجع نیز از طرف بخش آموزش و پرورش، سخنگوی فعالی شرکت نداشته است، همانند سایر بخشهای اجتماعی، سرنوشت توسعه آموزش و پرورش به دست مسئولان امور اقتصادی کشور سپرده شده بوده است.

۴ - اجرای برنامه: حداقل در سه برنامه اول تا سوم، در بخش آموزش و پرورش، عملیات برنامه، عمدتاً مشتمل بر سرمایه‌گذاری ثابت و گاهی تربیت نیروی انسانی و تجهیز آزمایشگاهها و کارگاهها و تهیه ملزومات بوده است که معمولاً این نوع فعالیتها از فعالیتهای جاری دستگاههای مسؤول آموزش و پرورش متمایز بوده است. بنابراین به واسطه استقلال عملی که سازمان برنامه در سه برنامه عمرانی نخستین از آن برخوردار بوده است، یا خود

مستقیماً کارهای اجرایی برنامه را بر عهده داشته است و یا آنکه به تشخیص خود، اجرای آنها را بر عهده یکی از واحدهای اجرایی محول می‌کرده است، لذا دستگاهها مسؤول آموزش و پرورش، فقط به عنوان واحد بهره‌بردار، تأسیسات و تسهیلات ایجاد شده را مورد بهره‌برداری قرار می‌داده‌اند. هر چه به پایان این مرحله نزدیک می‌شویم، مشارکت دستگاههای آموزشی مستقل، همانند دانشگاه تهران و دانشگاههای استانها، در اجرای برنامه‌ها بیشتر می‌شود. یک نهاد اجرایی دیگر که در این زمان به موازات روال برنامه عمل می‌کرد، کمیسیونهای ناظر بر عملیات ساختمانی انجام‌گرفته از محل ۵ درصد (بعداً ۳ درصد) درآمد شهرداریها بود. این کمیسیونها مقررات ساده‌ای داشتند و در شهرهای بزرگ از کارایی و سرعت عمل قابل توجهی برخوردار بودند. و شاید بتوان گفت هسته‌های واقعی عدم تمرکز در امور اجرایی تلقی می‌شدند. متهمی این مسیر، بعد از افزایش درآمد نفت و تغییر قانون شهرداریها و حذف کمکهای شهرداری به امر مدرسه‌سازی سال (۱۳۴۹) کاملاً بسته شد.

در برنامه چهارم که سهم عمده‌ای از برنامه توسعه آموزش و پرورش را عملیات جاری آموزشی تشکیل می‌داد، ناگزیر نقش اجرایی فعالتری بر عهده وزارت آموزش و پرورش محول گردید. امور ساختمانی در این مرحله بر عهده اداره کل (یا دفتر فنی) ساختمان واگذار شده بود و هماهنگی بین عملیات ساختمانی و اجرای توسعه آموزش و پرورش را نیز معاونت طرحها و بررسیها عهده‌دار بود. در هر حال روال اجرای برنامه و امور مالی و حسابرسی آن در سراسر دوران مورد نظر، توسط سازمان برنامه تعیین می‌گردید. و این سازمان نیز به دلایل مختلف، از جمله تماس بیشتری که با دنیای خارج داشت و منابع مالی نسبتاً فراوانی که در اختیار داشت، از شیوه‌های جدید، بسیار متفاوت و انعطاف‌پذیرتر از شیوه‌های جاری دستگاه اداری استفاده می‌کرد.

۵ - نظارت بر اجرای برنامه: در سراسر دوران مورد بررسی، بر اساس قوانین برنامه‌های اول تا چهارم عمرانی کشور، نظارت بر اجرای برنامه‌ها بر عهده سازمان برنامه و هیأت نظارت (در برنامه‌های اول و دوم) و هیأت حسابرسی (در برنامه‌های سوم و چهارم) مرکب از حسابرسان خبره متخبر مجلسین، محول بوده است. ابزار نظارت بر برنامه، به لحاظ مالی (تأمین و تخصیص اعتبار، پرداخت، نگهداری حساب و حسابرسی)، به لحاظ فنی (انتخاب مؤسسه مشاوره و طراحی و عقد قرارداد با آنها و مؤسسات پیمانکاری و اجرای کار) و به لحاظ اجرایی (مقررات حاکم بر اجرای کارها و انعقاد قراردادها و نیز تمرکز امور و امها و کمکهای فنی خارجی) نیز کاملاً در اختیار این سازمان قرار گرفته بود.

این ابزار هر چند که در امور سرمایه گذاری ثابت، کاملتر و کارآتر بود، اما عملیات جاری برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش را نیز در بر می‌گرفت و می‌توان نتیجه گرفت که به کمک چنین ابزاری امکان آنکه اطلاعات کافی و همه‌جانبه‌ای برای اعمال نظارت بر فعالیتها و طرحهای برنامه‌های توسعه آموزش و پرورش و ارزشیابی آنها در اختیار سازمان برنامه قرار گیرد، به سهولت فراهم بوده است.

این بدین معنا نیست که نهادهای موازی دیگری برای نظارت بر امور آموزشی طی این دوره وجود نداشته است؛ اما این نهادها، پاره‌ای مانند شورای عالی آموزش و پرورش، از اقتداری در امور برنامه‌ریزی توسعه برخوردار نبودند و یا مانند کنفرانسهای آموزشی رامسر، بیشتر جنبه سیاسی و تبلیغی داشتند (بخصوص در سالهای اولیه تشکیل).

۶ - جمع‌بندی وضعیت نظام برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در مرحله تمرکز: از مجموع آنچه در زمینه تحولات ۵ عنصر اصلی نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش بیان شد، معلوم می‌شود که بارزترین خصوصیت نظام برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در این مرحله، تمرکز تمامی عناصر نظام در یک نهاد در ابتدای دوره و حفظ نسبی این تمرکز و یا نقاط کلیدی و مؤثرش تا پایان دوره بوده است. بدین ترتیب است که مشاهده می‌شود در این مرحله، عملیات مربوط به نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش عمدتاً در خارج و مستقل از نهادهای مسؤل آموزش و پرورش، یعنی توسط سازمان برنامه و مراجع هدایت‌کننده آن صورت می‌گرفته است. هر چه از برنامه اول عمرانی به سمت برنامه چهارم که پایان آن مقارن خاتمه این مرحله است، نزدیک می‌شویم، از غلظت این تمرکز و استقلال عمل سازمان برنامه کاسته می‌شود. به طوری که، حداقل در زمینه طراحی فنی برنامه و تا حدودی اجرای آن، توان کارشناسی و سازمانی نسبتاً قابل توجهی در داخل تشکیلات آموزش و پرورش کشور به وجود آمده است. اما در تمامی دوره امور مربوط به زمینه‌های تلفیق برنامه و نظارت بر اجرای آن به طور کامل بر عهده سازمان برنامه بوده است. از لحاظ تشکیلات منطقه‌ای برنامه‌ریزی، به رغم تأکیده‌های مستمری که در کلیه برنامه‌های عمرانی چهارگانه، بر توجه به این مهم به عمل آمده است، فقط در پایان دوره، اولین گامهای عملی در تشکیل شوراهای منطقه‌ای، که یکی از وظایف اصلی آن تصویب برنامه‌های سالانه توسعه و نظارت بر اجرای آنها بود، برداشته شده است. ولی در مقابل با حذف ساز و کار مکانیسم کمک شهرداریها به امر ایجاد فضای آموزشی و تعطیل کمیسیون مربوط، نهال نوعی عدم تمرکز و مشارکت جوامع محلی در تأمین منابع مالی و نظارت بر خرج آن برکنده شد.

## تحلیل وضع نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در مرحله دوم

در نمودار شماره ۳ وضعیت نظام برنامه‌ریزی توسعه در این مرحله که از سال ۱۳۵۱ شروع و به بهمن ۱۳۵۷ ختم می‌شود، نشان داده شده است. گردش عملیات در این نظام، در شرح پیوست نمودار آمده است. تفاوت بارز وضعیت نظام برنامه‌ریزی در این مرحله با مرحله پیشین در آن است که قانون برنامه و بودجه کشور (قانون دائمی تشکیلات برنامه) در ابتدای این دوره (۱۳۵۱) به تصویب رسید و به اجرا گذاشته شد (مأخذ ۱۵). بنابراین بر خلاف مرحله اول، که تهیه و اجرای هر برنامه، تابع قانون خاصی بود، دو برنامه‌ای که در این مرحله تهیه شده، از قانون واحدی پیروی کرده است. نکات مهم قانون برنامه و بودجه را که شکل دهنده عناصر مختلف نظام برنامه‌ریزی می‌باشند، به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

الف - در زمینه تهیه برنامه‌های بخشی، پیشنهادهاى دستگاه اجرایی، اساس کار قرار می‌گیرد (ماده ۷). و سازمان برنامه و بودجه موظف است کمیته‌های مشترک برنامه‌ریزی را با دستگاه اجرایی تشکیل دهد (ماده ۱۰).

ب - در زمینه تلفیق برنامه، نقش اصلی را سازمان برنامه و بودجه و نهاد هدایت‌کننده آن، یعنی شورای اقتصاد بر عهده دارد. در این شورا وزرای مرتبط با بخش آموزش و پرورش حضور ندارند (مواد ۳ و ۷).

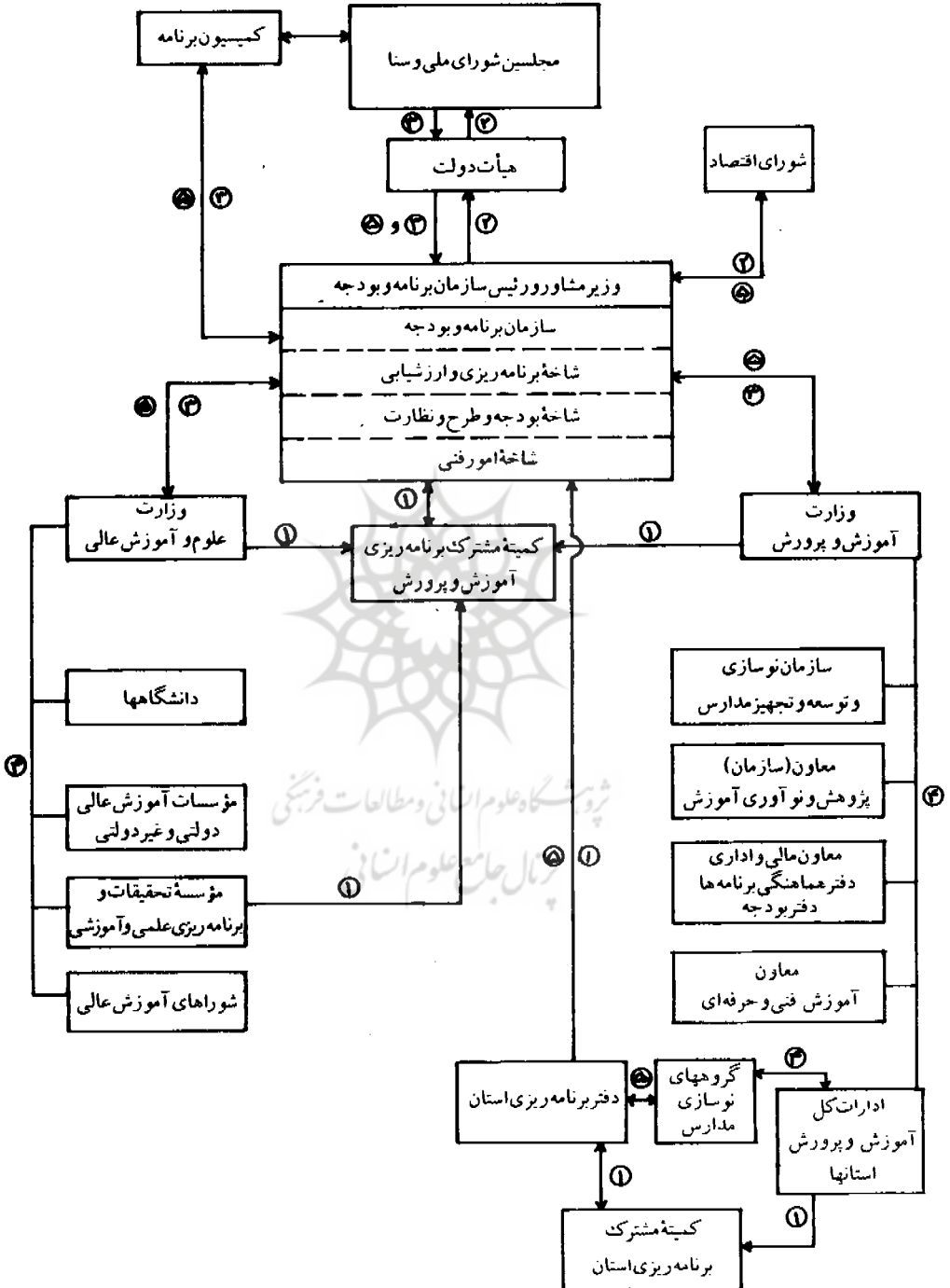
### شرح نمودار شماره ۳:

- ۱ - وزارتخانه‌ها و سازمانهای آموزشی از طریق کمیته مشترک برنامه‌ریزی آموزش و پرورش مسؤلیت تهیه و پیشنهاد برنامه توسعه بخش آموزش و پرورش را بر عهده دارند. امور فنی کارشناسی و دبیرخانه را مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی بر عهده دارد. پیشنهادهاى استانها نیز از طرف ادارات کل در کمیته مشترک برنامه‌ریزی استان مطرح و توسط دفاتر برنامه‌ریزی استان، به سازمان برنامه و بودجه پیشنهاد می‌گردد.
- ۲ - برنامه‌های بخشها، در سازمان برنامه و بودجه تلفیق شده و پس از تأیید شورای اقتصاد و تصویب در هیأت وزیران به مجلسین شورای ملی و سنا پیشنهاد می‌شود. برنامه به تصویب مجلسین می‌رسد. پاره‌ای از اجزاء آن به تصویب کمیسیون مشترک برنامه مجلسین می‌رسد.
- ۳ - برنامه مصوب، به دولت ابلاغ می‌شود. سازمان برنامه و بودجه مسؤلیت تمشیت امور فنی اجرایی (مهندسی مشاور و پیمانکاران و فهرست بها و استانداردهای فنی و ...) را بر عهده دارد.
- ۴ - برنامه توسط دستگاههای اجرایی به اجرا گذاشته می‌شود. در استانها گروههای نوسازی، اجرای امور را بر عهده دارند.
- ۵ - نظارت بر برنامه توسط سازمان برنامه و بودجه انجام گرفته و گزارش آن به شورای اقتصاد، هیأت دولت، کمیسیون مشترک مجلسین ارسال می‌گردد.



### نمودار شماره ۳

نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در برنامه‌های پنجم و ششم عمرانی کشور



ج - در زمینه تصویب برنامه‌ها، نقش نهادهای خارج از مجلس شورای ملی کاهش یافته است، و با تلفیق امور برنامه‌های توسعه در بودجه سالانه، اقتدار مجلس بر شکل‌گیری جزئیات برنامه افزایش یافته است (ماده ۱۲ و ۲۰).

د - در زمینه اجرای برنامه، مسئولیت تهیه و اجرای طرحها بر عهده دستگاههای اجرایی محول شد و اجرای برنامه از نظر مقررات استخدامی، مالی، و معاملاتی، تابع مقررات عمومی دولت گردید (ماده ۲۱). با این حال کماکان تنظیم امور مشاوران و پیمانکاران و معیارها و استانداردهای فنی، بر عهده سازمان برنامه و بودجه باقی ماند (مواد ۲۲ و ۲۳).

ه - در زمینه نظارت بر اجرای برنامه، به سازمان برنامه و بودجه مأموریت داده شد که اقدامات لازم را به عمل آورده و گزارش آن را به نخست‌وزیر ارائه دهد (مواد ۳۴ تا ۳۷). در اجرای این قانون و در ادامه تحولاتی که در اواخر مرحله پیش آغاز شده بود، شکل نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در مرحله دوم به تدریجی است که در نمودار شماره ۳ نشان داده شده است. تحولاتی که در این مرحله در عناصر مشکله نظام رخ داده است به شرح زیر خلاصه می‌گردد:

۱ - طراحی برنامه: در مورد آموزش و پرورش عمومی، وزارت آموزش و پرورش و در مورد آموزش عالی، وزارت علوم و آموزش عالی تهیه کنندگان متون و گزارشهای تفصیلی برنامه‌های پنجم (اولیه و تجدید نظر شده) و پنجساله ششم عمرانی از طریق کمیته‌های فرعی وابسته به کمیته مشترک برنامه‌ریزی، بوده‌اند. در وزارت آموزش و پرورش پس از تجدیدنظرهای مکرری که در سازماندهی وظایف ستادی به وجود آمد، ابتدا وظایف هماهنگی برنامه‌ها و بودجه با وظیفه مالی و اداری، در یک شاخه متمرکز شد و سپس امور آموزشهای عمومی از آموزش فنی و حرفه‌ای و همچنین از تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت جدا شد و در یک شاخه قرار گرفت و در مقابل، معاونت جدیدی در امور نوآوری و نوسازی آموزشی به وجود آمد (مأخذ ۱۶ - نمودار تشکیلات). بعداً این معاونت جدید، بر اساس تصویب مجلسین به سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی تبدیل شد. وظیفه این سازمان تحقیق و بررسی در سائز کیفیت آموزش و پرورش و ارزشیابی مستمر و تنظیم برنامه‌های تحصیلی و تألیف و تدوین کتب درسی و آماده‌سازی مدارس جهت کاربرد وسایل و روشهای نو، به منظور اعتلای کیفیت آموزش و پرورش تعیین گردید. این سازمان نیز از امتیازات و مقررات استخدامی یک مؤسسه پژوهشی برخوردار گردید (مأخذ ۱۷، مواد ۱ و ۷ تا ۹).

بدین ترتیب احتمالاً بر اثر فشار وارده از طرف وزارت علوم و آموزش عالی برای اعمال حق قانونی خود در زمینه برنامه‌ریزی همه سطوح آموزش و با کم‌رنگ شدن تشکیلاتی که برای برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ابتدای دوره در وزارت آموزش و پرورش وجود آمده بود، جنبه‌های کیفی آموزش و پرورش حداقل از نظر تشکیلاتی، مورد توجه قرار گرفت. از طرف دیگر، با شکل گرفتن و تقویت توان کارشناسی مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، تهیه برنامه‌های توسعه آموزش عالی که در مرحله قبل به صورت پراکنده و موردی، توسط تماس مستقیم هر دانشگاه با سازمان برنامه انجام می‌گرفت، در این مرحله به صورت منسجم‌تری توسط مؤسسه مذکور صورت گرفت. علاوه بر این در سال ۱۳۵۲، امر تهیه برنامه جامع و درازمدت آموزشی کشور، به این مؤسسه محول گردید و در واقع گام اول در اجرای وظیفه‌ای که از ابتدای تشکیل وزارت علوم و آموزش عالی در زمینه برنامه‌ریزی آموزشی از سطح کودستانی تا سطوح عالی دانشگاهی بر عهده این دستگاه گذاشته شده بود، برداشته شد. در این میان تهیه برنامه توسعه آموزشهای فنی و حرفه‌ای چون بلامتصدی بود کماکان بر عهده سازمان برنامه و بودجه قرار داشت. و بالاخره، از آنجا که نهاد هماهنگ‌کننده برنامه توسعه سه نوع آموزش پیش‌گفته، آن‌چنان که در قانون وزارت علوم و آموزش عالی پیش‌بینی شده بود (شورای آموزش کشور) فعال نبود، اجرای مأموریت آن را نیز سازمان برنامه و بودجه به یاری کمیته مشترک برنامه‌ریزی، بر عهده گرفت.

همزمان با این تغییرات تشکیلاتی و تقسیم و تفرق نیروها، برای تمشیت امور و ایجاد هماهنگی، حداقل در حد صدور تصویب‌نامه هیأت وزیران یا تصویب قانون، نهادهای هماهنگ‌کننده چندی به وجود آمد که فهرست وار به قرار زیر است:

● شورای آموزش کشور: که عالیترین مرجع هماهنگ‌کننده و سیاست‌گذار برنامه‌ریزی بلندمدت و تعیین‌کننده نظام آموزشی و مقاطع تحصیلی شناخته شده بود؛ ولی از تشکیل جلسات آن مطلبی به ثبت نرسیده است (مأخذ ۹ - بند الف).

● شورای مرکزی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی که عالیترین مرجع هماهنگ‌کننده دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی شناخته شده بود (مأخذ ۱۰ - ماده ۲).

● شورای پژوهشهای علمی کشور که عالیترین مرجع هماهنگ‌کننده پژوهشهای علمی بود (مأخذ ۱۰ - ماده ۴).

● شورای توسعه و تشویق پژوهشهای علمی که مأمور توسعه پژوهشهای علمی کشور بود. (مأخذ ۱۸)

● شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های پزشکی - که عالیترین مرجع در زمینه برنامه‌ریزی و توسعه آموزشهای پزشکی و اعتلای کیفیت آنها شناخته می‌شد (مأخذ ۱۹ - ماده ۱۰).

● شورای گسترش آموزش عالی که برای سامان دادن به امر ایجاد یا توسعه مؤسسات آموزش عالی تأسیس شده بود (مأخذ ۲۰).

● شورای شاهنشاهی آموزش عالی - که ظاهراً اساسنامه آن به وسیله مقامات وقت وزارت علوم و آموزش عالی تهیه شد، اما به تصویب مراجع قانونگذاری نرسیده است (مأخذ ۲۱).

● شورای عالی آموزش و پرورش که عالیترین مرجع در اداره امور وزارت آموزش و پرورش شناخته می‌شد (مأخذ ۲۲ ماده ۵).

● شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای مسؤول توسعه آموزش و پرورش در مناطق کشور (مأخذ ۱۴ ماده ۱).

● شورای سازمان پژوهش و نوسازی آموزشی که عالیترین مرجع در اداره امور پژوهش و نوسازی آموزش و پرورش بود (مأخذ ۱۷ - ماده ۳).

● شورای سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور که عالیترین مرجع در اداره امور مربوط به احداث و تجهیز مدارس بود (مأخذ ۲۳ - ماده ۳).

● شورای عالی کارآموزی که عالیترین مرجع برای اداره امور کارآموزی در کشور بود (مأخذ ۲۴ - ماده ۵).

● شورای عالی آموزش کشاورزی که عالیترین مرجع تصمیم‌گیری در امور آموزش غیردانشگاهی کشاورزی شناخته شده بود (مأخذ ۲۵ - ماده ۵ و ۱۱).

● کنفرانسهای انقلاب آموزشی رامسر که بدون جایگاه قانونی در مدت ۱۰ سال هر ساله تشکیل گردید و عملاً سیاست‌گذاری و هدایت امور آموزشی کشور را با پشتیبانی فنی سازمان بازرسی شاهنشاهی آموزش عالی و پژوهشی بر عهده داشت.

● کمیته ملی پیکار با بیسوادی که مرجع مستقل و صاحب اختیار امور سوادآموزی بزرگسالان بود و ظاهراً مبنای قانونی مشخصی نداشته است.

● شورای تجهیز نیروی انسانی که هر چند از ابتدای این دوره دیگر فعالیتی از آن مشاهده نشده است، ولی چون جانشین دیگری نداشت، تنها مرجع برقراری هماهنگی و سیاست‌گذاری در مجموعه متنوع و متعدد آموزشهای فنی و حرفه‌ای شناخته می‌شد (مأخذ ۱۲).

این مجموعه وسیع از نهادهای مسؤول برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در قلمرو آموزش و پرورش، اثر چندانی بر بهبود عملکرد نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش به لحاظ تهیه و طراحی فنی برنامه‌ها نداشت (این موضوع در بررسی دیگری با ذکر شواهد مدلل خواهد شد. چون آنچه برای کارکرد منظم و صحیح این نهادها لازم بود، توان کارشناسی تغذیه‌کننده و پژوهشگر مسائل مطروحه در شوراها بود که عموم نهادها فاقد آن بودند؛ و دیگری روشن بودن قلمرو فعالیتها و مسؤولیتها، که آن نیز با تداخل آشکاری که در وظایف و حیطه عمل آنها وجود داشت، به خوبی روشن بود که فعال شدن هر شورا در قلمرو وظایف خود، موجب بروز اصطکاکهای شدیدی با مسؤولان شوراهای رقیب می‌شد. بدین ترتیب به جای آنکه از خدمات این کارشناسان بهره‌ای عاید بخش آموزش و پرورش گردد، تعدد مراجع تصمیم‌گیری، بیشتر موجب تحلیل رفتن توان کارشناسی فعال مستقر در پاره‌ای از دفاتر و یا مؤسسات پژوهشی می‌گردید.

کمیته مشترک برنامه‌ریزی آموزش و پرورش نیز که برای تهیه برنامه عمرانی ششم و بر اساس قانون برنامه و بودجه تشکیل شد، بر این اساس سازماندهی شده بود که وزارت علوم و آموزش عالی بتواند در تعیین هدفها و سیاستها و جهت‌گیریهای کلیه سطوح آموزشی، وظیفه قانونی خود را ایفا کند. به اهمیت دلیل با آنکه کمیته‌های فرعی متعددی، بر حسب نوع و سطح آموزش تشکیل شد، اما عملاً تهیه گزارش نهایی برای طرح در کمیته مشترک برنامه‌ریزی و نهایتاً درج در اسناد برنامه ششم، بر عهده مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی که در ضمن رئیس آن، ریاست کمیته مشترک برنامه‌ریزی را نیز بر عهده داشت، واگذار گردید (مأخذ ۲۶ - ص الف). تهیه برنامه درازمدت و جامع آموزشی کشور، در این مرحله یک استثناء است. این برنامه با سازماندهی کارشناسی خاصی که برای آن به وجود آمد، محصول کار یک تشکیلات فنی و کارشناسی است، که هر چند فعالیت آن تداوم نیافت، اما در مقایسه با دیگر برنامه‌های توسعه، از انسجام و کیفیت نسبتاً مطلوبی برخوردار است (مأخذ ۲۸ و نشریات مقدماتی مرتبط با آن).

تصویری که از توان طراحی و برنامه‌ریزی کشور در بخش آموزش و پرورش در پایان این دوره، یعنی در حدود سالهای ۵۶ و ۵۷ می‌توان ارائه داد، در مجموع آن است که در داخل وزارت آموزش و پرورش، تشکیلات و توان کارشناسی موظف به برنامه‌ریزی آموزشی تقلیل فاحش یافته است به طوری که نهاد برنامه‌ریزی این وزارت که در ابتدای دوره از دو معاونت طرحها و بررسیها و معاونت برنامه‌ریزیهای آموزشی هر یک با دفاتر و مدیریتهای مجزایی برای هر یک از سطوح و انواع آموزش تشکیل یافته بود، در پایان

دوره، جای خود را به دفتر هماهنگی برنامه، یکی از دفاتر معاونت مالی و اداری، واگذار کرده بود. اما، در مقابل وزارت علوم و آموزش عالی، با تقویت توان کارشناسی که تا حدودی به سبب برخورداری مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی از امتیازات استخدامی هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی میسر شده بود، نقش فعالتری در امر برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش بر عهده گرفت. همزمان با این جابجایی توانها، تشکیلات موازی و نهادها و مراجع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری متعددی در زمینه آموزش عالی ایجاد شدند که نقش مؤسسه را در برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی کم‌اثر کرده و تا حدودی اصولاً متفی کردند.

در این مرحله نیز سازمان برنامه و بودجه، وزارت آموزش و پرورش، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، وزارت کار و امور اجتماعی و کلیه شرکتهای بزرگ صنعتی (مانند ذوب آهن اصفهان، شرکت نفت، سازمان گسترش و نوسازی صنایع) از کارشناسان و مشاوران خارجی در امر طراحی و برنامه‌ریزی آموزشی استفاده می‌کردند. نقش این مشاوران مخصوصاً در شرکتهای صنعتی و در وزارت کار و امور اجتماعی فعالتر بود.

۲ - تلفیق برنامه‌ها: در این دوره، هر چند که کماکان امر تلفیق برنامه بر عهده سازمان برنامه و شورای اقتصاد محول شده بود، اما بخصوص در سالهای پایانی دوره، به دلیل تشکیل شوراهای آموزشی و هیأت‌های امناء دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی ماوراء وزار تخانه‌ای که عموماً چند نفر از وزرا نیز در آنها عضویت داشتند و نیز تشکیل کنفرانسهای انقلاب آموزشی رامسر، که مهمترین نهادهای سیاسی کشور و از جمله نخست‌وزیر و هیأت دولت را درگیر مسائل آموزش و پرورش می‌کرد، از تسلط کامل برنامه و بودجه در این امر، تا حدودی کاسته شد، که کمترین اثر آن تلفیق برنامه‌های مربوط به آموزش و پرورش عمومی، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی است که در برنامه ششم به میزان وسیعی در خارج برنامه و بودجه و در کمیته مشترک برنامه‌ریزی صورت پذیرفت.

۳ - تصویب برنامه: تغییر عمده‌ای که در این مرحله نسبت به مرحله قبل در شکل گردش کار تصویب برنامه‌ها حاصل شد، تقریباً نامحسوس است. مجلسین کلیات قوانین برنامه را تصویب کرده و تصویب برنامه‌های تفصیلی بر عهده کمیسیون مشترک مجلسین بوده است. اما در محتوای کار، تغییرات بیشتری حاصل شد. نخست آنکه با حذف اختیارات وسیعی که در زمینه تعیین روشهای اجرایی و میزان اعتبارات و سیاست‌گذاری و نوعی قانون‌گذاری به نهاد برنامه‌ریزی داده شد، سازمان برنامه و بودجه به حد یک نهاد

مشورتی هیأت دولت، تنزل مرتبه یافت. و ثانیاً، با شکل جدید تعیین بودجه که مستلزم تصویب اعتبارات سالانه و تعیین حجم عملیات جاری و عمرانی در مجلس بود، امکانات وزاری آموزش و پرورش برای اثر گذاردن بر فرایند برنامه‌های توسعه بیشتر شد. قطعاً حضور مسؤولان و تصمیم‌گیران کشور در مراجع و شوراهاى مندرج در بندهای ۱ و ۲، در وسعت کردن دامنه این تأثیر، مؤثر بوده است.

۴- اجرای برنامه: در پی اجرای قانون برنامه و بودجه، که از ابتدای این مرحله آغاز شد، کلیه امور اجرایی برنامه بر عهده دستگاههای اجرایی محول شد و مشاهده می‌شود که در اواسط دوره در وزارت آموزش و پرورش برای ایجاد و تجهیز فضاهاى آموزشی، نهاد تخصصی، به نام سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور جای دفتر فنی ساختمانی را - البته با وظایف و سازماندهی گسترده‌تر - می‌گیرد و در استانهاگروههای نوسازی ایجاد می‌شود (مأخذ ۲۳). در زمینه عملیات جاری برنامه نیز، دفتر بودجه و نیز دفتر هماهنگی برنامه‌ها به عنوان یک وظیفه اصلی عهده‌دار این مهم می‌شوند و طرحهای مستمر عمرانی که در برنامه‌های سوم و به‌خصوص چهارم شکل‌دهنده حرکت توسعه آموزش و پرورش در بُعد فعالیتهای جاری بود، از آغاز اجرای برنامه پنجم عمرانی از بین می‌روند و از لحاظ شکل ظاهری جریان امور، کلیه فعالیتهای آموزش و پرورش در بستر برنامه‌های پنجساله عمرانی حرکت می‌نماید. در این دوره یک تجربه جدید در زمینه اجرای برنامه‌های آموزشی، به پروژه وام بانک جهانی برای آموزش و پرورش مربوط می‌شود. بنا به قرارداد وام، دولت ایران موظف می‌شود تشکیلات اجرایی مستقلی را برای هدایت امور طراحی و اجرایی به وجود آورد. این تشکیلات، مستقل از وزارت آموزش و پرورش و سایر وزارتخانه‌های ذی‌ربط (کار و کشاورزی و پاره‌ای دانشگاهها) بود. بلکه از نظر تشکیلات اداری، تابع سازمان برنامه و بودجه بود. این تجربه نخستین و تنها تجربه اجرای یک پروژه بزرگ و پیچیده در زمینه آموزش و پرورش به این صورت بوده است که ارزیابی آن از لحاظ فلسفه و هدف نیاز به فرصت دیگری دارد (مأخذ ۲۸). در حالی که در آموزش عالی تا حدودی این روش برای اجرای پروژه‌های دانشگاههای صنعتی اصفهان، و تربیت معلم (حصارک) و دانشگاه آزاد و نیز تا حدودی دانشگاه بوعلی سینا قبلاً متداول شده بود. در دانشگاهها و سایر مؤسسات آموزشی مستقل نیز، توان هدایت امور اجرایی به نسبت فراهم آمد و این استقلال عمل در امور اجرایی سبب می‌شد که برخلاف امر طراحی و تهیه برنامه، که مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی می‌توانست در امر تلفیق و هماهنگی فعالیتی داشته باشد، در بُعد اجرایی جای نهاد هماهنگ‌کننده فعالیتهای اجرای برنامه، خالی

باشد.

در این دوره از نظر اجرای منطقه‌ای برنامه، توان وسیعتری در مقایسه با دوره قبل فراهم آمد. از جمله در هر استان دفتر برنامه و بودجه تأسیس شد و قسمتی از طرحهای آموزشی به صورت استانی به اجرا درآمد. این امر که به موازات شکل‌گیری شوراهای آموزش و پرورش منطقه‌ای توسعه یافت، تسهیلات بیشتری را در اجرای غیرمتمرکز برنامه فراهم آورد. هر چند همان‌طور که قبلاً گفته شد اصولاً برنامه‌ریزی منطقه‌ای در این دوره هنوز عمقی نیافته بود.

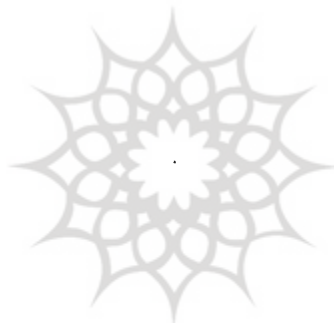
۵- نظارت بر برنامه: در این دوره نیز، همانند دوره گذشته، نظارت بر اجرای برنامه و بودجه‌های سالانه بر عهده سازمان برنامه و بودجه گذاشته شده بود؛ ولی ابزار قوی و کارآیی قبلی تا حدودی از او گرفته شده بود. در برابر، در داخل بخش آموزش و پرورش، نهادهای متعددی برای هدایت و نظارت بر فعالیتهای آموزشی تأسیس شد که هر یک به نوعی، بر ارزیابی برنامه‌ها و نظارت بر اجرای آنها مجاز بودند. نام مجموعه این نهادها در بند ۱ فهرست شد. اینکه کارآیی و تأثیر این مراجع چگونه ارزیابی شده است، موضوعی است که در مقالات آینده به آن می‌پردازیم.

۶- جمع‌بندی وضعیت نظام برنامه‌ریزی آموزش و پرورش در مرحله تفکیک مسؤولیتها: از مجموع آنچه در باره تحولات ۵ عنصر اصلی نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش شرح داده شد می‌توان به خصوصیت بارز نظام برنامه‌ریزی در این مرحله اشاره کرد. درست در جهت مخالف خصوصیت مرحله اول که تمرکز نسبی تمامی عناصر نظام در یک نهاد بود، خصوصیت این مرحله واگذاری اختیارات به نهادها و مراجع متعدد بود. انتزاع آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش که در سالهای پایانی مرحله اول به اجرا گذاشته شده بود، در این مرحله با وسعت یافتن استقلال عمل دانشگاهها و ایجاد سازمانهای آموزشی مستقل از وزارت آموزش و پرورش یا وزارت علوم و آموزش عالی، همانند سازمان آموزش کشاورزی، صندوق کارآموزی، مؤسسات آموزشی غیردولتی، بر تعدد دستگاههای متصدی امر آموزش، به نحو چشمگیری افزود و به موازات آن بر تعدد مراجع هماهنگ‌کننده و سیاستگذار نیز افزوده شد. با سلب وظائف اجرایی برنامه از سازمان برنامه و بودجه، تشکیلات و سازماندهی خاصی برای طرح‌ریزی و اجرای برنامه‌ها در اغلب دستگاههای عمده آموزشی بوجود آمد؛ اما در وزارت آموزش و پرورش، تشکیلات برنامه‌ریزی آن وسعت سازمانی اواخر دوره گذشته را از دست داد و مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، در این مرحله عملاً عهده‌دار تهیه برنامه‌های



توسعه آموزش و پرورش از کودکی تا مدارج عالی دانشگاهی گردید. در زمینه برنامه‌ریزی منطقه‌ای آموزش و پرورش، چندان بهبود و تغییری در این دوره حاصل نشد اما اجرای منطقه‌ای برنامه، در اواخر این مرحله پایه‌گذاری شد. بدین ترتیب روند کاهش تمرکز همه امور مربوط به نظام برنامه‌ریزی در یک نهاد که در اواخر مرحله قبل آغاز شده بود، در این مرحله شدت بیشتری یافت و به ایجاد مؤسسات و سازمانهای تخصصی به منظور برنامه‌ریزی آموزشی، ایجاد فضاهای آموزشی، تلفیق و هماهنگی در امور آموزش و حتی نظارت بر امور آموزشی انجامید. این که چقدر این تحولات در کیفیت برنامه‌ها و اجرای آنها تأثیر بخشیده است، موضوعی است که نیازمند بررسی جداگانه‌ای است.

چون مطلب به درازا کشیده است و بررسی تجربه جمهوری اسلامی در این زمینه نیاز به میدان وسیعتری برای بحث دارد، لذا بررسی تحولات مرحله سوم نظام برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش به مقاله دیگری واگذار می‌شود. انشاءالله



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی جامعه علوم انسانی

### فهرست ماخذ:

- ۱ - نفیسی، عبدالحسین، بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران: تعاریف و سابقه، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۲ و ۲۳، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۹.
- ۲ - نفیسی، عبدالحسین، بازنگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران: سطوح برنامه‌ریزی توسعه و تحولات آن، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۴، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۶۹.
- 3 - "Seven year Development Plan. Vol II Education, Public Health," Over Seas Consultants, INC. New York, 1949.
- ۴ - "گزارش عملیات سازمان برنامه هفت‌ساله در سالهای ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰"، سازمان برنامه، تهران، ۱۳۳۰.
- ۵ - "گزارش مقدماتی برنامه سوم فرهنگ"، امور اقتصادی سازمان برنامه، تهران، ۱۳۴۰.
- ۶ - "گزارش مقدماتی برنامه سوم نیروی انسانی"، امور اقتصادی سازمان برنامه، تهران، ۱۳۴۰.
- ۷ - "آمار فرهنگ ایران"، اداره آمار، وزارت فرهنگ، تهران، اردیبهشت ۱۳۴۱.

- ۸ - "آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۵۲ - ۱۳۵۱"، قسمت آمار، دفتر هماهنگی برنامه، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۵۲.
- ۹ - تصویبنامه هیأت دولت در مورد "وظایف و ترکیب اعضای شورای آموزش کشور" مصوب شهریور ۱۳۵۳ هیأت وزیران.
- ۱۰ - "قانون تأسیس وزارت علوم و آموزش عالی"، مصوب اسفند ۱۳۴۶ و تصویبیه مصوب مرداد ۱۳۵۳.
- ۱۱ - "لایحه قانونی تشکیل هیأت امنای مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی"، مصوب اردیبهشت ۱۳۴۸ کمیسیونهای مجلسین.
- ۱۲ - "تصویبنامه هیأت وزیران در مورد شورای تجهیز نیروی انسانی" مصوب ۱۳۴۴.
- ۱۳ - "ارزشیابی عملکرد آموزش فنی و حرفه‌ای در برنامه چهارم عمرانی و گرایشهای آینده"، مدیریت آموزش و پرورش، سازمان برنامه، تهران، دیماه ۱۳۵۰.
- ۱۴ - "قانون تشکیل شورای آموزش و پرورش منطقه‌ای"، مصوب ۱۹ بهمن ۱۳۴۸، مجلسین شورای ملی و سنا.
- ۱۵ - "قانون برنامه و بودجه"، مصوب اسفند ۱۳۵۱، مجلسین شورای ملی و سنا.
- ۱۶ - "آمار آموزش و پرورش سال تحصیلی ۵۶ - ۱۳۵۵"، دفتر هماهنگی برنامه‌ها، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۵۶.
- ۱۷ - "قانون تشکیل سازمان پژوهش و نوآوری آموزشی"، مصوب تیرماه ۱۳۵۵، مجلسین شورای ملی و سنا.
- ۱۸ - "تصویبنامه هیأت وزیران در مورد شورای توسعه و تشویق پژوهشهای علمی"، مصوب ۱۳۵۰/۱۰/۲۵.
- ۱۹ - "قانون تشکیل شورای آموزش پزشکی و تخصصی رشته‌های پزشکی"، مصوب مرداد ۱۳۵۵ مجلسین شورای ملی و سنا.
- ۲۰ - تصویبنامه هیأت وزیران مورخ ۱۳۴۹/۱/۲۹ در مورد "شورای گسترش آموزش عالی".
- ۲۱ - اساسنامه شورای شاهنشاهی آموزش عالی، بدون تاریخ (احتمالاً حدود نیمه اول ۱۳۵۴) موجود در آرشیو برنامه و بودجه.
- ۲۲ - "لایحه تفکیک وزارت فرهنگ"، مصوب ۱۳۴۳/۹/۲۶.
- ۲۳ - "قانون تأسیس سازمان نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس کشور"، مصوب اردیبهشت ۱۳۵۴، مجلسین شورای ملی و سنا.
- ۲۴ - "قانون کارآموزی"، مصوب اردیبهشت ۱۳۴۹ مجلسین شورای ملی و سنا.
- ۲۵ - "قانون تأسیس سازمان آموزش کشاورزی"، مصوب اردیبهشت ۱۳۵۴ مجلسین شورای ملی و سنا.
- ۲۶ - "سنجش عملکرد آموزش و پرورش در برنامه عمرانی چهارم و پنجم و پیشنهاد برنامه‌های آموزش و پرورش در برنامه ششم، گزارش مرحله دوم"، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی تهران، اسفند ۱۳۵۵.
- ۲۷ - "برنامه جامع و درازمدت آموزشی کشور: کتاب نخست"، مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی، تهران، شهریور ۱۳۵۴.
- ۲۸ - گزارشهای مربوط به پروژه وام بانک جهانی در زمینه آموزش و پرورش و نیز متن موافقتنامه‌های طرح مربوط به این پروژه که بین سازمان برنامه و بودجه و دستگاه اجرایی مبادله شده و در بایگانی سازمان برنامه و بودجه نگهداری می‌شود.